



فقه الاداره (گزارشی از جلسه مقدماتی گروه فقه الاداره)

مدیریت :: Journal مدیریت در اسلام :: بهار ۱۳۸۵ - شماره ۷

Pages : From ۱۸ to ۲۲

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/197343>

تاریخ داندود : ۲۰۲۳/۱۰/۱۵

Computer Research Center of Islamic Sciences (Noor) to present the journals offered in the database, Has received the necessary permission from the owners of the magazines, accordingly all material rights arising from the entry of information on articles, magazines and writings. Available at the base, belongs to the "Light Center". Therefore, any publication and presentation of articles in the form of text and images on paper and the like, or to The digital form obtained from this site requires the necessary permission from the owners of the journals and the Computer Research Center for Islamic Sciences (Noor), and violation of it will result in legal action. For more information .go to [Terms and Conditions](#) Using Noor Specialized Magazine Database Please refer



مقالات مرتبط

- نظام اجتماعی: درآمدی بر مفهوم نظام های اقتصادی نوشتاری پیرامون کل نگری و کیفیت ساختارها فرایندها و ارتباط اجرا در اقتصاد
- فلسفه فقه
- پیش درآمدی بر فقه رسانه (موضوع شناسی)
- مطالعه تطبیقی مفاد آیه عرف در دید مفسران شیعه و اهل تسنن
- نظریه کلامی رسانه
- تالیف فلسفه فقه ضرورتی که همچنان باقی است
- مدیریت اسلامی ۲
- بررسی تطبیقی فلسفه فقه با دیگر فلسفه های مضاف همگن
- کشف و فهم الزامات و بایسته های نظام سازی قرآنی در جامعه اسلامی
- فقه الاداره از آغاز تاکنون
- فقه حکومتی؛ نرم افزار مدیریت جامعه در بستر انقلاب اسلامی
- حجیت عرف در تشخیص مصادیق

عناوین مشابه

- گزارشی از جلسه نشست « عاشورا در آئینه هنر » به همت گروه یاران در اهواز؛ عاشورا در آئینه هنر
- گزارشی از سخنرانی گروه اسناد در سمینار مقدماتی نسخه های خطی
- گزارشی از گروه فقه سیاسی پژوهشکده اندیشه سیاسی اسلام
- گزارشی از گروه کارورزی تحقیق « فقه سیاسی » مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- راه های ترویج امید در جامعه ؛ گزارشی از جلسه جامعه مبلغان کشور
- اصول فقه الاداره از چرایی تا وقوع
- « درباره طرح کارورزی و اشتغال بیکاران کشور » (گزارشی از جلسه کارشناسی)
- ابعاد جزایی FATF (گروه ویژه اقدام مالی مشترک) از منظر فقه و حقوق اسلامی
- گزارشی از: پایان نامه های کارشناسی ارشد، گروه تاریخ مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمة الله
- جشنی برای گروه های تئاتر: گزارشی از نخستین جشن استقرار گروه های نمایشی سراسر کشور

فقه اداره

گزارشی از جلسه مقدماتی
گروه فقه اداره

مرکز جهانی علوم اسلامی در قم مسئولیت تعلیم و تربیت طلاب غیر ایرانی را برعهده دارد. این مرکز با توجه به احساس نیاز به تخصصی کردن مباحث حوزوی، اقدام به تأسیس مدارس تخصصی کرده است. یکی از این مدارس، مدرسه تخصصی فقه و اصول است. این مدرسه در حوزه تخصصی فقه و حقوق اسلامی فعالیت‌های خود را سازماندهی کرده است.

همچنین برای راه‌اندازی رشته‌های تخصصی زیر تلاش‌های مؤثری کرده است. رشته‌های فقه و اصول، فقه القضاء، فقه الاقتصاد، فقه و حقوق، فقه الادارة، فقه السياسة، فقه الاجاره، فقه التربية، فقه الاجتماع، فقه الاسرة، فقه المقارن و مبانی فلسفی کلامی فقه (فلسفه فقه).

بعضی از این رشته‌ها مانند فقه و اصول، فقه القضاء، فقه الاقتصاد، فقه و حقوق و فقه المقارن در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد شروع به کار کرده‌اند. حتی بعضی از گروه‌ها در حال تهیه و تدوین طرح دوره دکتری هستند.

بر همین اساس این مدرسه در نظر دارد گروه و رشته «فقه‌الاداره» را نیز فعال کند. برای همین امر گروهی از اساتید محترم که مطالعات و پژوهشهایی در حوزه مدیریت اسلامی دارند دعوت شدند تا در جلسه‌ای با مدیر محترم مدرسه تخصصی فقه و اصول درباره راهکارهای تأسیس و راه‌اندازی رشته «فقه‌الاداره» به گفت‌وگو و مطالعه بنشینند.

در این جلسه حجة الاسلام و المسلمین حاج آقا کعبی مدیر محترم مدرسه و حجج اسلام آقایان قوامی، لطفی، نادری، توکلی، گائینی و همزبان کارشناسان مباحث مدیریت اسلامی حضور داشتند. در زیر گزارش این جلسه تقدیم می‌شود.

جلسه با تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید توسط آقای نادری آغاز شد.

در ادامه...

• حاج آقا کعبی:

از عزیزان و سرورانی که زحمت مدرسه تخصصی فقه و اصول مرکز جهانی علوم اسلامی را اجابت فرمودند تشکر می‌کنم. ما برای راه‌اندازی گروه‌ها و مطالعات اولیه معمولاً یک نفر را مشخص می‌کنیم تا کارها را پیگیری کند. وقتی این مطالعات به سرانجامی رسید درباره اعضای گروه تصمیم‌گیری می‌شود و خود اعضای گروه با همکاری یکدیگر یک نفر را به عنوان مدیر گروه انتخاب می‌کنند. صدور بعضی از احکام مدیر و اعضای گروه کار به صورت رسمی آغاز می‌شود. به همین جهت آقای همزبان انتخاب شدند.

پیش از این من خدمت برخی از عزیزان رسیدم و فضای مدرسه را توضیح دادم. آقای قوامی و آقای لطفی در جریان هستند. اما تاکنون توفیق نشده است در خدمت جناب آقای توکلی، گائینی و نادری در این باره صحبت بکنیم. این مدرسه به طور کلی طرح‌ریزی تخصصی فقه و اصول را در قالب رشته‌های گوناگون و فضایی که فقه ایجاد می‌کند، به عهده گرفته است و در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری برنامه‌ریزی خواهد کرد. به حول و قوه الهی رشته فقه قضا و فقه اقتصاد را در مقطع کارشناسی ارشد راه‌اندازی کردیم. فقه خانواده، فقه تطبیقی و فقه سیاسی، گروه‌های این‌ها را تشکیل دادیم. سرفصلها هم نوشته شده است و گروه‌ها در حال مطالعه جامع هستند، که اگر گروه به این نتیجه رسید که استادی لازم است، ماده درسی هم هست، و توانایی مطرح کردن آن درس و بحثها در حد یک رشته تخصصی فقه و اصول می‌تواند باشد، اعلام آمادگی می‌کنند. سپس ما به تناسب نیاز طلبه می‌پذیریم. ما در قالب طرح نظریه ذهنیمان، نزدیک به دوازده رشته پیش‌بینی کرده‌ایم. می‌دانید که در فقه یک تخصص‌هایی ایجاد شده است و مدرسی به نام مدارس تخصصی فقه و اصول در قم، مثل بقیة‌الله یا مرکز تخصصی فقهی ائمه اطهار که زیر نظر آیت ا... فاضل است و دیگر مدارس حوزه که مأموریت آن‌ها عمق بخشیدن به درسهای فقهی و اصولی است شروع به کار کرده‌اند و اینکه برای عده‌ای از طلاب که نخبه هستند برنامه‌ریزی بشود تا مجتهد بشوند. اما مأموریت این مدرسه علاوه بر بحث متد و روش و سبک آموزش، به کیفیت



درس طلاب توجه می‌کند. این سمت و سو را ما اختیار کردیم تا فقه را تخصصی بکنیم. مثلاً عده‌ای صاحب‌نظر و متخصص در فقه‌الاداره باشند عده‌ای متخصص در مسایل فقه قضایی و عده‌ای متخصص مسایل فقه بانکی.

در آن تصور اولیه ما حداقل دوازده رشته پیش‌بینی کردیم و احتمال می‌دهیم که بیشتر شوند. مطالعات اولیه برای تبدیل آن‌ها به رشته در حال انجام است. آن دوازده رشته عبارت‌اند از فقه‌الاجاره، فقه‌القضا، فقه‌الاقتصاد، فقه خانواده، فقه تطبیقی، فقه الاجتماع، فقه الاداره، فقه تربیت، فقه سیاست و مبانی کلامی فلسفی فقه، یا چیزی که مد شده به عنوان فلسفه فقه. البته حوزه آموزش، آموزش طلاب غیرایرانی در مرکز جهانی علوم اسلامی است و در سه مقطع پذیرش می‌شوند: کارشناسی تا لمعه و اصول، کارشناسی ارشد تا اتمام سطوح، دکتری دست‌کم ۴ سال خارج فقه و اصول و رشته‌های تخصصی خاصی که باید بخوانند چون راه‌اندازی گروه‌های علمی جنبه پژوهشی آموزشی دارد.

تعدادی از حضرات دعوت بشوند و درباره فقه مدیریت هم‌اندیشی بکنیم که اصلاً تصورات ابتدایی چیست؟ رشته فقه مدیریت یا فقه اداری شدنی است یا ناشدنی؟ ممکن است دیدگاه‌ایمان با هم فرق بکنند ولی باید به یک نقاط مشترکی برسیم. ممکن است خروجی این جلسات در نهایت این باشد که بعداً شما تصمیم بگیرید این رشته فعلاً راه نیفتد و فقط در حد پژوهش‌های اولیه باشد، یا بگویید نه، فعلاً توانایی و ظرفیت راه‌اندازی هست، یا تصمیم دیگری ارائه کنید این مقدمات بحث ما است، اما تصویری که بنده از اصطلاح فقه الاداره دارم، اولاً خود فقه معلوم است که یعنی چه، فقه را ما همه بلدیم، و فقه در حوزه یعنی همان حلال و حرام، مستحب و مکروه و مباح، احکام تکلیفی و احکام وضعیه مثل، صحت، بطلان و امثال اینها. اما فقه مدیریت یا فقه الاداره، واژه معادل فقه در علوم انسانی واژه حقوق، Law (قانون) و لذا موقعی که مثلاً می‌خواهند بگویند فقه اسلامی، می‌گویند: Islamic Law (حقوق اسلامی) و به نظر من فقه و حقوق از نظر ماهیت یکی هستند، اما از لحاظ ادله، مبانی، قلمرو و روش، تفاوت‌های چشمگیری با هم دارند که ما اکنون با آن‌ها کار نداریم. اما از لحاظ ماهیت، هم فقه و هم حقوق، ۴ ویژگی و شاخصه قاعده حقوقی را دارند مثلاً می‌گویند The hole of Law؛ یعنی کلی و عمومی است، رفتار اجتماعی را تنظیم می‌کنند و کلاً قلمرو فقه وسیع‌تر و الزام‌آورتر است و ضمانت اجرایی دولتی دارد. همان‌گونه که در حقوق رشته‌ای به نام حقوق اداری است در فقه حوزه هم، مسایل فقهی مربوط به اداره داریم که فقه درباره آن‌ها به اصطلاح با زبان الزام و با زبان حلال و حرام، صحیح و باطل و باید و نباید صحبت می‌کند بنابراین اگر بخواهیم از فقه اداری را تعریف کنیم، می‌گوییم: مجموعه گزاره‌هایی که موضوع آن‌ها اداری و مدیریتی است. (دو سویه) معمول آن‌ها فقهی است. محمولات فقهی و موضوعات آن جدید است. پیش از آنکه فهرستی از این مباحث را مرور کنیم، برای مثال می‌گوییم: ماهیت استخدام چیست؟ قرارداد اداری چیست؟ تفاوت آن با قراردادهای غیراداری چیست؟ فقه چه نگاهی به قراردادهای اداری دارد؟ این رابطه استخدامی که بین افراد و دولت ایجاد می‌شود وقتی به استخدام دولت درمی‌آیند این چگونه است، آیا اینان اجیرند؟ از بیت‌المال به عنوان اینکه این یک واجب کفایی است، ارتزاق می‌کنند، به عنوان مستأجر ارتزاق می‌کنند؟ شروط ضمن عقد چگونه می‌تواند باشد؟ شروط مستقیم چگونه می‌تواند باشد؟ یک طرفه از طرف دولت تعریف می‌شود؟ شخصی که کارمند است می‌تواند یک طرفه فسخ بکند؟ فسخ طرفینی باید باشد؟ با بقیه قراردادهای چه تفاوتی دارد؟ قرارداد استخدام، یک بحثی است که البته در حوزه حقوق اداری است. اصلاً ما می‌توانیم فکر نکنیم، مثلاً تئوریهای مدیریت را بر اساس مبحث کتاب، سنت، عقل و اجماع، از لحاظ فقهی به یک تئوری می‌رسیم، یا نه؟ رابطه مدیریت علمی، و مدیریت فقهی چیست؟ اصلاً مدیریت فقهی چه مقوله مدیریتی است؟ فلسفه مدیریت، اصول مدیریت و پایه‌های مدیریت، همه این‌ها می‌تواند به عنوان مدخل باشد، و دست‌کم ۴ تا ۶ واحد درسی برای آن

پیش‌بینی بشود. و از لحاظ اسلامی هم پیش‌بینی شود. همچنین مدیریت در کتاب و سنت پیش‌بینی بشود، اما باز همه این‌ها مباحث فقه مدیریت نیست. موقعی که ما وارد بحث فقه مدیریت می‌شویم باید فقه مدیریت و اداره، اینقدر فضا داشته باشد که کتابهای قطور قانون که درباره اداره و استخدام و نظام اداری وجود دارد، درباره هر کدام از این‌ها اگر به یک عده متخصص ارجاع شود این متخصصین باید از نظر اسلامی اظهار نظر بکنند، خلاف شرع هست یا خلاف شرع نیست. همین کاری که شورای نگهبان انجام می‌دهد براساس سیاستهای کلی حاکم بر اداره در اسلام و سیاستهای اداری اصولاً چه نگاه فقهی می‌توانیم به اداره داشته باشیم و مقولات فقهیون چگونه مقولاتی می‌تواند باشد؟ اصلاً ما می‌توانیم مسئله‌سازی نوین بکنیم و سیستم‌سازی بکنیم؟

این بحثها مجموعه‌ای از بحثهای کاملاً نظری و پژوهشی است، اما اگر بتوانیم آن‌ها را به عنوان واحد آموزش ابتدا تبیین بکنیم و برای آن واحد آموزشی سرفصل مشخص بکنیم، و به محققین طراز اول بدهیم، براساس آن سرفصلها جزوه بنویسند، سپس اگر ارزیابی کردیم و به این نتیجه رسیدیم که اینقدر کشش هست که می‌شود این درسها را به عنوان فقه‌الاداره ارائه کرد، آن موقع تصمیم می‌گیریم که این کار صورت بگیرد و طلبه بپذیریم. حالا از این بابت عجله‌ای نیست. من دو کتاب مدیریتی با خودم آوردم. کتاب دکتر رضاییان را به عنوان «اصول مدیریت»، که براساس همین سرفصل‌هایی که در آن هست، و به نظرم این سرفصلها را با نگاه اسلامی می‌شود دست‌کم در ۴ واحد ارائه کرد. اما باز این فقه مدیریت نیست. عناوین تصمیم‌گیری و خط مشی، تعیین خط مشی دولتی، مدیریت مالی بودجه و برنامه‌ریزی، اصول حاکم بر بودجه دولتی و منابع درآمد دولت در اسلام... تا برسیم به مالیات و خراج، خمس و زکات، برای این‌ها می‌شود چند واحد اختصاص داد. می‌رسیم به بحثهایی که عنوان فقه حقوق اداری دارد؛ یعنی همین (law Adminestraitive) رشته‌های مدیریتی، مدیریت دولتی در واقع همان (Public law) (Publicadiminstreitve) است که به آن حقوق عمومی می‌گویند؛ اما در زبان شما مدیریتی‌ها آن را به، دولتی ترجمه می‌کنند. بخش دولتی در برابر بخش خصوصی. لذا در اینجا یکی از بخشهای قابل توجه که می‌تواند معادل‌سازی بشود و آن را شبیه‌سازی فقهی کرد، بحث تعریف حقوق اداری است. ما اینجا می‌گوییم تعریف فقه‌الاداره، هرچند در نظامهای حقوقی مانند نظام انگلیس، حقوق اداری را از حقوق نمی‌دانند و چیزی به عنوان حقوق اداری ندارند این نظام حقوق اداری یک نظام فرانسوی است. اسلام از نظر فقهی چه می‌گوید؟ آیا مسایل حقوق اداری از یک خصوصیت خاصی برخوردار است که بقیه فقه برخوردار نیست؛ مثلاً در اسلام قرارداد اداری با قرارداد عمومی فرق می‌کند یا نه؟

مثالی از حضرت امام(ره) می‌زنم تا این بحث را فقهی بکنیم و وارد فقه بشویم. آقای سرچندی زاده، وزیر سابق کار یک استفتایی از حضرت امام(ره) کردند استفتایش این بود: آیا دولت می‌تواند در قبال خدماتی که به کارفرماها می‌دهد، مثل آب، گاز، برق، آسفالت، موافقت اصولی با تأسیس کارخانه و یا خدمات دیگر، در شروط ضمن عقد کارفرما را ملزم به رعایت قانون کار کند از ماده اول تا آخر؟

چالشهایی که در شورای نگهبان وجود داشت و ۹ - ۸ سال طول کشید و بر اثر آن چالشها مجمع تشخیص مصلحت نظام شکل گرفت. بحث همین حقوق کار بود. حضرت امام در قانون کار یک پاسخ مختصر و خیلی مهمی را دادند و فرمودند: دولت، با شرط و بدون شرط می‌تواند یعنی لازم نیست شما در قالب شرط ضمن عقد این را درست بکنید!

چون در قانون کار هست که مثلاً کارگر هشت ساعت کار می‌کند حالا کارفرما می‌خواهد قرارداد را بیشتر ببندد و اضافه کار هم نهد و بگوید حقوقت ۱۰ ساعت، ۱۲ ساعت اینقدر است. قانون کار به او اجازه نمی‌دهد جمعه‌ها تعطیل است، کارفرما نمی‌خواهد حقوق بدهد قانون کار اجازه نمی‌دهد شرایط کار سخت مزایای خاصی دارد و قانون خود را دارد، اما کارفرما می‌گوید: من

قبول ندارم (المؤمنون عند شروطهم). بحث درباره مسئولیت مدنی به قول معروف نظریه ریسک یا نظریه تقصیر است؛ مثلاً اگر یک کارگری در کارخانه بلایی بر سرش بیاید، و کارفرما می‌تواند بگوید، به من چه! خب، تقصیر من نبود که من پولش را بدهم. اما قانون کار می‌گوید: نه شما ریسک پذیرفتید مسئولیت مدنی و جبران خسارت آن یا شما است. همه این‌ها را ملزم می‌کند تازه اگر او را از کار اخراج بکنند باید سالی دو ماه حقوقش را بدهند، و امثال این مزایا. این چالش عمده‌ای بود. یک بار شورای نگهبان ۱۹۳ اشکال شرعی گرفته بود و بعد قضیه حل شد چون نگاه امام نگاه حکومتی شد. امام گویی یک تأسیسی درست کردند برای قرارداد اداری بر اساس حکم حکومتی؛ یعنی بر اساس حکم حکومتی، همین بحث احکام حکومتی. «بازشناسی احکام حکومتی در سیره ائمه معصومین» نام کتابی است از آقای محمد رحمانی، که دبیرخانه خبرگان چاپ کرده است. کجا ائمه حکم حکومتی صادر کردند؟ این احکام حکومتی چقدر به درد بحث فقه اداری و فقه مدیریت می‌خورد؟ ماهیت بخشنامه تصمیم‌نامه، آئین‌نامه، قانون عادی و قانون اساسی در فقه چیست؟ آیا ما می‌توانیم سلسله مراتب حقوقی و قانونی بین قوانین قائل بشویم. بحث مقامات مافوق و مقامات مادون که در حقوق اداری هست، در فقه به نام «ولایت اداری»، از آن تعبیر می‌کنند که هم حضرت امام و هم مقام معظم رهبری، می‌گویند: ما در فقه «ولایت اداری» اصلاً نداریم، و ولایت به مقامات مادون می‌رسد این قابل بحث است. که یعنی چه! از طرف دیگر، ضوابط صدور احکام حکومتی چیست؟ نگوید این می‌شود فقه حکومت، نه این به عنوان پایه‌های همین فقه اداره، که اصلاً این مسایل باعث می‌شود که ما بدانیم آیا چیزی به نام «حقوق اداری» در فقه به رسمیت شناخته شده است یا به رسمیت شناخته نشده است. یک مثال دیگر هم بزنم: رسول گرامی اسلام درباره یک عده‌ای که نماز جماعت حاضر نمی‌شدند فرمود: چرا اینان در نماز شرکت نمی‌کنند؟ سپس کسی که نایبنا بود در محضر رسول اکرم می‌گوید من که نایبنا هستم و نمی‌توانم! حضرت می‌فرماید: از خانه‌ات تا مسجد طناب بکش و به مسجد بیا. اینجا چند تا مطلب درباره این رشته روایات در فقه مطرح است.

ابتدای کتاب «عروة الوثقی» بحث نماز جماعت هست و «جواهر» هم در جلد سیزده دارد. عده‌ای می‌گویند: بنابراین، از این استفاده می‌شود که نماز جماعت واجب است. سپس پاسخ می‌دهند، اجماعات را چه کار کنیم؟ بقیه ادله را چکار بکنیم؟ نمی‌شود بگوییم واجب است؛ بلکه مستحب است. پس از این استفاده می‌شود که مستحب مؤکد است. به مبانی خودمان که نگاه کنیم چیزی به نام «مستحب مؤکد» قابل تأمل است. یعنی چه! صاحب جواهر می‌گوید: ممکن است کسی بگوید به معنای عدم حضور نماز جماعت مکروه است. سپس خودشان جمع‌بندی می‌کنند و می‌گویند: نه، در جمع میان این روایاتی که بسیار هم وجود دارد حالا امام علی هم بوده است. این دسته روایات می‌گویند اگر کسی در نماز جماعت حاضر نشود «جواز النیة»؛ «لاتجوز معاملته» و «لاتجوز مناكحته». خیلی عجیب است، صاحب جواهر می‌گوید به نظر می‌آید این اشاره به تیپ خاصی است به نام منافقین، که باند و گروه تشکیل داده بودند و نمی‌خواستند بخشنامه‌های دولتی را بشنوند، و فرمانهای رسول اکرم را بشنوند. یک دسته و باندی برای خودشان داشتند، و قضیه خاص بود. و از مجموعه روایات استفاده می‌کنند و یک روایت که «انتهاک جماعت المسلمین» و «غیبة عن جماعة المسلمین». این «جواز النیة» و امثال این‌ها می‌گوید وجه جمعش این روایات است. از آن می‌فهمیم اگر کسی در نماز جماعت مسلمین حاضر نشد، و عمل او به قصد بی‌اعتنایی به جماعت مسلمین باشد این مرتکب حرام و گناه شده است. این جایز نیست، و فقها عجیب بر این اساس فتوا می‌دهند مسئله توضیح المسائل: ترک نماز جماعت از روی بی‌اعتنایی جایز نیست. همین را می‌توان با زاویه دید حکومتی نگاه کرد. ممکن است کسی بیاید قرآنی در آنجا پیدا بکند و بگوید که این احکام حکومتی مخصوص آن موقع بود، والسلام! اصلاً سیاق بحث را عوض بکنند در این صورت ماهیت احکام حکومتی، حکم شرعی و اصلاً، مسایل پیرامونش

چیست؟ می‌دانید که حقوق اداری و همچنین بحث مدیریت، در حوزه از قوای سه‌گانه بیشتر قوه مجریه است. قوه مجریه دارای دو لایه است: یک لایه سیاسی، و یک لایه اداری. لایه سیاسی آن همین کابینه است. لایه اداری آن مقامات اداری است؛ مثل وزراء، معاونان، مدیرکل‌ها و امثال ایشان. این مقامات اداری اولاً چه ویژگی‌هایی باید داشته باشند؟ چه کسی آنان را نصب می‌کند و روابط فقهیشان چگونه باید باشد. نظام اطاعت و وفاداری در اداره، غیر از اینها، اصلاً وظایف قوه مجریه در اسلام چیست؟ از لحاظ فقهی می‌گویند نظم و امنیت، پیشرفت و آبادانی تا کجا مطلوب است؟ تا آفاق و توسعه، توسعه به همین معنای امروزی یا نه عدالت؛ عدالت به چه معنا است؛ ولایت و هدایت به چه معنا است، و دایره حاکمیت و تصدی چیست؟ آیا مثلاً نظام آموزش و پرورش باید اینگونه باشد که بیت‌المال را دولت بگیرد، از نظام بودجه‌بندی سپس به جای تک‌تک شهروندان تصمیم بگیرند. حتماً واجب است فرزندان را کلاس اول تا پنجم دبستان بفرستید، بعد اول تا سوم دبیرستان، یا نه، نظام آموزش و پرورش در اسلام به این شکل است که دولت باید نظارت کلی بکند و درآمد سالانه‌ای به شهروندان بدهند. چه ساز و کاری باید درباره تک‌تک وزارتخانه‌ها، مثل وزارت معادن، قانون معادن و نظامات مربوط به آن ایجاد کرد؟ اینجا می‌رسیم به بحث‌های جالبی مانند انتقال اختیارات، تفاوت میان تفویض، وکالت و نیابت. اینکه اصلاً ماهیت حکم اداری چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد مکاتبه اداری در فقه، شخصیت حقوقی، دولت، اصلاً وزارتخانه‌ها شخصیت اعتباری دارند یا ندارند. تمرکز و عدم تمرکز، و چه نوع نظامی در نزد اسلام پستیده است، یا این لایه شرط است و بستگی دارد به مکان و زمان؟ مؤسسات عمومی چگونه است. نظام‌های حرفه‌ای مثل پزشکی، کارشناسی رسمی و وکالت، مهندسی و کشاورزی و امثال این‌ها چگونه است. مستحتمی و استخلام، تکالیفشان، حقوقشان، وظایفشان و مزایایشان، بازنشستگی، حقوق، بیمه، حقوق اجتماعی مستخدمین، حالات مستخدمین، پلیس اداری، اصلاً مفهوم پلیس اداری در اسلام کجا است. یک پلیس انتظامی داریم و یک پلیس اداری، یک معلم دو کار انجام می‌دهد یک کار آموزشی، معلمی در دانشگاه‌ها یا مدارس دولتی و یک کار پلیسی، یکی دارد آموزش می‌دهد در «بابا آب داد»، اما اینکه نمره می‌دهند، از مدرسه بیرون می‌کنند؛ نمره‌اش معتبر است تبدیل می‌شود به کارنامه، کارنامه باعث ارتقاء درجه می‌شود تا دیپلم بگیرد، لیسانس بشود و آثار حقوقی برایش در نظر بگیرد که این‌ها وابسته به کار پلیسی است. پلیس اداری کسی است که پروانه ساختمان صادر می‌کند. بحث فقهی ابطال و نسخ، ابطال قوانین و مقررات، ابطال یک تصمیم اداری چه نوع ماهیتی دارد؟ نفوذ قراردادهای، تظلمات اداری، تظلمات از یک مقام عالی اداری چگونه باید صورت بگیرد. می‌گویند ما از شورای دولتی فرانسه کپی کردیم و چیزی درست کردیم به نام «دیوان عدالت اداری» که دیوان عدالت اداری همان کپی شورای دولتی فرانسه است. خب، در اسلام چیست؟ در سوئد آیدومنستان است. دادستانی پارلمانی، در مقابل دادستانی پارلمانی و شورای دولتی فرانسه، اسلام برای تظلمات چه سیستمی را ارجاع می‌دهد؟ سیستم تظلمات در زمان رسول الله چگونه بوده است؟ در فقه چه چیز به دست می‌آید؟ تابع زمان و مکان است یا نه، یک شیوه خاصی درباره تظلمات دارد؟ این تظلمات هم یک بحث خیلی مهمی است و آثار بسیار زیادی دارد. آن موقع اگر مقام عالی تصمیم بگیرد که تظلم را گوش کند یک مقام را زنمان بکند و یا یک تصمیمیش را باطل بکند؟ اگر آثار مالی، جانی و آثار مختلف داشته باشد این آثارش چگونه می‌شود؟ بیت‌المال چگونه تقسیم می‌شود. آن چیزی که در تاریخ اسلام است که بیت‌المال تقسیم می‌شد در بحث بودجه‌بندی در اینجا چگونه است؟ این دسته مباحث، بحث امور عمومی و امور خصوصی یعنی چه؟ مثلاً می‌گویند اداره محل انجام خدمات عمومی است. خدمات عمومی فرقی با خدمت خصوصی چیست؟ در فقه این ریشه‌ها کجا پیدا می‌شود؟ این بحث حوائج الناس، بحث اغائة الملحوف، بحث نامه‌هایی که امام صادق به نجاشی والی اهواز نوشته است، یا رساله مالک اشتر، می‌شود به این‌ها جنبه فقهی داد یا نه؟ آیین‌نامه‌های اداری چگونه

است؟ قراردادهای چگونه است؟ مناقصه و تشویقات اداری که حالا هست، در انعقاد قراردادها آیا ما هم می‌توانیم در فقه به این‌ها ملتزم بشویم یا نه؟ به چه دلیل می‌توانیم شیوه خاص را ابداع بکنیم؟ امتیاز چیزی که در فقه اسمش «اقطاع»، «تیول» و «تیول دادن» این تیول و امتیاز چگونه است؟ این یک بحث خیلی مهمی است. همینطور در بحث قراردادهای نفتی که حالا امتیاز دادن به کشورهای بیگانه مثال این‌ها هست. هم در بحث اراضی، اراضی خراج و اراضی مفتوح عتوة و حل کردن وضعیت فقهی اینها، این امتیاز و... چگونه است؟ در مقابل امتیاز، ملی کردن و سیستم ملی کردن، مسئولیت مدنی، حاکمیت قانونی، و بالاخره همه مسائلی که اینجا هست. در خود فقه ابوابی را می‌توان پیش بینی کرد که از دل این ابواب بشود مسائلی استخراج کرد. مسائلی که در متون قدیم است؛ حتی در مکاسب، اما با همین زاویه دید فهرست و کاری که گروه باید انجام بدهد شبیه‌سازی است. اما شبیه‌سازی نه به معنای استنساخ، بلکه شبیه‌سازی مفاهیم. به نظر من این مفهوم‌شناسی و شبیه‌سازی یکی از کارهای بلندی است که در این حرکت‌های جدی به درد اجتهاد می‌خورد. و اگر کسی اشتباهی شبیه‌سازی بکند، معادل‌سازی در دست‌انداختن می‌افتد شیوه هم باید شیوه فقهی باشد برخی از متأخرین کتابهایی درباره فقه‌الاداره نوشته‌اند مثل مرحوم سید محمد شیرازی، کتابی دارد به نام «فقه‌الاداره». در دل ایشان هم این بوده است که یک کتاب مدیریتی کنار خودش گذاشته، هر مسئله مدیریتی را تبدیل کرده به «مسئله»، مسئله فقهی. سعی کرده است با آیه، روایت و حدیث مسئله خاص فقهی ذکر بکند که یک کار ابتدایی است. یک کتابی هم هست که جناب آقای قوامی نوشته‌اند به نام «مدیریت از منظر کتاب و سنت» که دبیرخانه خبرگان چاپ کرده است. من یک چیزی هم در اینترنت دیدم. نمی‌دانم کار آقای توکلی است، یا دیگر آقایان، به نام «فقه مدیریت»، کار خوبی بود. و خوبی کار این بود که جست‌وجو کرده بود. پژوهش در این عرصه خیلی مهم است. نقاطی که کار نشده، بسیار زیاد است. همچنین ضرورت‌هایی است که بشود واقعا فقه مدیریت را تعریف کرد. همان فقه‌الاداره یا همان «Admines Treitive law» حقوق اداری. اما «Admeines treitive law of Islam» یا «Islamic admeinetreitive law»

● حاج آقای قوامی: ما خیلی خوشحالیم که در محضر حاج آقای کمپی و دوستان مدیریت پژوه یا مدیریت‌دان قرار داریم. و در حقیقت می‌شود گفت: یکی از رویاهای ما دارد صلق پیدا می‌کند این تقریباً حرف حقی است. بسیار منتظر همین لحظه بوده‌ایم انگیزه خوبی هم ایجاد می‌شود، در حقیقت تقویت انگیزه بود که اگر در این زمینه کاری از دست ما برمی آید داشته باشیم. بیانات شما نشان داد که: سرفصل‌ها قابل چین و تنظیم هستند یعنی ما اگر بتوانیم به سبک خارج کفایه، همین حقوق اداری که می‌تواند نظم بحث و فهرست را تشکیل بدهد با یک متد اجتهادی-استنباطی که ما در حوزه‌ها داریم و احکام الهی را استخراج می‌کنیم همان متد را بیاوریم و همان سبکی که فرمودید مرحوم شیرازی در کتاب فقه‌الاداره، (مسئله، مسئله) هست که اوج آن همان درس خارج خواهد شد. با موضوعی به نام فقه‌الاداره ولی قبل از آن در قالب یک واحد و به تدریج یک رشته باشد به هرحال ظرفیت کاملاً یک ظرفیت مناسبی است. ما گاهی مواقع در همان تحقیقی که شما لطف کردید اشاره کردید، در آنجا یک رشته‌هایی از این کارهای اجتهادی دیده می‌شود. به عنوان مثال در بحث استخدام مثلاً دستمزدهایی که می‌دهیم معیشت محور است یا کار محور. یک سؤال فقهی است که مبنای پرداخت دستمزد کدام است. اگر بتوان این سؤال را پاسخ فقهی داد کمک شده به یک نظام دینی، نظامی که می‌خواهد برنامه‌های دینی باشد حال فکر می‌کنیم با همان مقدار اندکی که مطالعات و تحقیقات هم هست، این کار کاملاً شدنی است. ولی مهم این است که چگونه باید وارد کار شد و چه باید کرد.

● آقای گائینی: ما الان می‌خواهیم با یک نگاه انتقادی وارد بشویم که بحث مقداری به چالش کشیده شود. در مسایل مدیریتی هم جایگاه مباحث حقوقی‌اش مشخص است و هم جایگاه مباحث نظری. اما مباحث حقوقی،

یک قانون را معمولاً تحویل می‌زنند به محیط خارجی اداره یعنی این چیزی نیست که در داخل اداره و یا سازمان وضع شود جزو عوامل محیطی است که تأثیرگذار است بر سازمان مثل سازمان پزشکی، که مباحث نظری و علمی مربوط به خود را دارد، یکسری مباحث حقوقی دارد که این مباحث حقوقی خارج از سازمان پزشکی بحث می‌شود و البته تأثیرگذار است بر روند آن فعالیت‌های پزشکی. در مباحث مدیریتی نیز همین طور است. مباحث حقوقی به عنوان مباحث محیطی خارج سازمان که تأثیرگذار بر سازمان است بحث می‌شود بنابراین فقه‌الاداره می‌توان آن بخش از محیط خارجی یعنی جنبه حقوقی را پوشش بدهد من خودم اتفاقاً در بحث مدیریت منابع انسانی و هم در مباحث مدیریت دولتی یک مقداری از این مباحث فقهی را مطرح کردم. به خصوص در بحث اجاره و عمل حر. آنجا به یک بحث‌هایی ولو جزئی پرداختیم. ما می‌توانیم هم به صورت انفعالی وارد این قضیه شویم یعنی یا توجه به این تفکیکی که عرض کردم باید بین مباحث حقوقی و مباحث نظریش قائل شد و همین طور می‌توانیم تبعیت کنیم از این سرفصل‌های موجود، حالا سرفصل‌های موجود هم دو تا است. یکی سرفصل‌های حقوق اداری است و یکی هم کتابی که آقای رضائیان نوشته است. کتاب آقای رضائیان هیچ داعیه‌ای بر پرداختن به مسایل حقوقی ندارد، آنجا مباحث کاملاً طبیعی و نظری است، منتها همانطور که فرمودید آقای شیرازی هم این کار را کردند ما می‌توانیم این‌ها را به زبان فقهی طرح بکنیم، بعد بگوییم پیامدها و نتایج آن چیست؟ فقه نسبت به این مسئله چه می‌گوید یعنی در واقع مسئله را می‌گذاریم وسط، گرچه این مسئله ماهیت نظری دارد، ولی ما با مطالعات بین رشته‌ای می‌توانیم از این منظر فقهی همین مسئله مدیریتی را بیابیم در واقع یک صورت مسئله فقهی بسازیم و بعد وارد جوابش بشویم و با رجوع به متون دینی جواب بگیریم، من فکر می‌کنم خوب این یک روش کار است، یک روش انفعالی است یعنی ما ببینیم آن‌ها چه بحث می‌کنند و بعد حالا ما وارد بحث شویم ببینیم پاسخ دین به این مسائلی که آن‌ها مطرح کردند چه است. البته سرفصل‌های کتاب حقوق اداری مستقیم می‌پردازد به مسایل فقهی. یک بحث دیگر این است که اصلاً می‌توانیم در مجموع یک استنتاج نظری و علمی کنیم در ساختارهای مدیریتی یا نه که این یک مقدار بحث را از موضع انفعالی فعال می‌کند یعنی ما را در یک موضع فعال قرار می‌دهد از این مباحث و قواعد فقهی ما چه استنباطی می‌کنیم و چه استنتاج می‌کنیم در پی ریزی یک ساختار مدیریتی و یک ساختار سازمانی، بنابر این من یک رویکرد نظری داشتیم اینکه این‌ها را باید دو مقوله جدا گرفت، بحث حقوقی و بحث نظری مسایل مدیریتی. فقه‌الاداره متکفل به مسایل حقوقی است، مباحث حقوقی را هم می‌توانیم از دو منظر وارد آن بشویم. یکی از همان تبعیت سرفصل‌ها است. همان طور که شما فرمودید واقعا مسایل تحلیلی و مفهومی این جا خیلی مؤثر است. الان بعضی از دوستان هم دارند کار می‌کنند مثلاً بحث Deseilen Making را معادل عزم آورده‌اند در حالی که عزم مبتنی بر پذیرش بحث روان و روح و نفس است. اما Deseilen Making را می‌آیند یک تحلیل رفتاری از آن می‌کنند. بحث روح و روان و این‌ها خیلی برای آن‌ها مطرح نیست، آیا واقعا می‌شود این چنین معادل یابی کرد، یا نمی‌شود، یا مثلاً تدبیر را معادل حجاج‌دج‌بخ‌ت می‌آورند کلید واژه آن‌ها تدبیر است. این کار را می‌شود کرد یا نه، این موضع و رویکرد را باید روش ساخت بعد وارد بحث شد.

● آقای کمپی: «ما مقابل Planing مشارطه آوردیم، مقابل Drawing معاقبه Checking محاسبه، مقابل actna معاقبه، آن چهار چیز را که در اخلاق داریم».

● آقای گائینی: حالا کتاب‌هایی که خصوصاً در حوزه مثلاً در کشور سوریه و لبنان و... نوشته شده گویا آن‌ها یک مقدار دیدشان بازتر بوده در معادل سازی. ما که خواستیم از متون استفاده کنیم نشده ولی من به نظرم راه امام، که یک راه نوآوری و نوین و ابتکاری است این که ما بیابیم با استفاده از این قواعد فقهی و قواعد اصولی پی‌ریزی یک سازمان و یک ساختار مناسب با این قواعد را بکنیم. این‌ها خودشان هم این کار را کرده‌اند و این چنین دغدغه‌هایی

دارند، مثلاً می‌گویند بحث دموکراسی ارزش سیاسی دارد. آیا دموکراسی با ساختارهای تصمیم‌گیری متمرکز این‌ها سازگار است؟ مثلاً بحث ولایت فقیه را در حوزه علوم سیاسی، می‌توانیم بر اساس این واژه بیابیم یک ساختاری را تعریف کنیم برای سازمان‌ها، در مجموع این روش قابل استفاده است و من خودم در مباحث مدیریت با نگاه فقه اسلامی این کار را می‌کردم واقعاً بعضی مواقع احساس می‌کردم اینجا جای مباحث فقهی است ولی خوب چون بحث ما معمولاً مباحث علمی و نظری است، فکر می‌کردم که یک قلمرو دیگری می‌خواهد، یک کتاب دیگر می‌خواهد یک متن دیگر، یک پروژه دیگر باشد که متکفل این مباحث باشد و در مجموع یک کلام مبارکی است. ان شاء الله...

● آقای کعبی: «پس شما هم فکر می‌کنید ظرفیت راه اندازی این رشته هست؟»

● آقای گائینی: بله. عرض کردم؛ خودم جاهایی از آن استفاده کرده‌ام ولی سریع از آن گذشتم.

● آقای توکلی: استفاده کردیم از مطالب شما و حاج آقای قوامی و دوستان. البته باید بحث یا ظرفیتی باشد الان مد نظر من پاسخ مثبت است اما با یک رویکرد دیگر، رشته شما حقوق است مدیریت را هم برابر رشته حقوق تعریف کردید من نظرم این است که برگردیم داخل خود رشته مدیریت، که در مقطع کارشناسی آن رشته‌های اصلی و رشته‌های فرعی وجود دارد. مانند مدیریت دولتی، بازرگانی، صنعتی (حتی در مقاطع ارشد و دکتری)، این مباحثی که حضرتعالی طرح فرمودید و دسته‌بندی کردید. یک رویکرد حقوقی است در سازمان. ولی اگر به همین شیوه که در علم مدیریت مطرح است گرایش‌هایی که وجود دارد برای یک برنامه‌ریزی کل این‌ها را مرور می‌کردیم متوجه می‌شدیم موضوعات بسیاری وجود دارد مثلاً در سطح کلان من کتاب خط مشی گذاری را دیدم، تعیین خط مشی دولتی. شما می‌بینید یک گرایش است در مقطع دکتری که مدیر، خط و مشی گذاری می‌کند یا سیاست‌گذاری؟ مثلاً همین رشد مدیریت دولتی که حضرتعالی مثال می‌زنید. فرض کنید اگر شما وارد مدیریت منابع انسانی بشوید. چه در ارشد و یا دکتری بحث‌هایی که حضرتعالی مطرح کردید از بحث استخدام، تعیین حقوق و دستمزد و بحث ارزشیابی شایستگی همه این‌ها بحث مدیریت فقهی دارند واقعاً به نظر من با ملاحظه تطبیقی مدیریت با آن چیزی که در ایران رواج دارد. موضوعات جدی به وجود می‌آید، اما به لحاظ کار پژوهشی ما فقیر هستیم. مثلاً شما اگر بخواهید فقه‌الاداره را شروع کنید. همان سیری که می‌فرمایید. به نظر من از لحاظ ظرفیت، جای کار وجود دارد. ولی به لحاظ اینکه این کار را انجام بدهیم به نظرم پیشنهاد حضرتعالی پیشنهاد خوبی است. یعنی ما اگر همین الان بخواهیم این کار را شروع کنیم، نه سرفصلی داریم و نه استادی که این کار را انجام دهد. این باید به مرور و به همین شیوه‌ای که خود شما فرمودید این کار را انجام دهیم. همین طور که آقای گائینی فرمودند در پروژه منابع انسانی به یک مناسبت وارد شدیم که دیدگاه‌های دینی را در خصوص این مباحث که در بحث منابع انسانی مطرح است. استخراج بکنیم. واقعاً خیلی مؤثر است. اگر (مسئله مسئله) بخواهیم ارجاع بدهیم به فقه فکر می‌کنم در هر بحث آن بیش از ۱۰ تا ۱۵ مسئله می‌شد عرضه کرد و پاسخ گرفت حالا بحث حقوق در جای خودش محفوظ است ولی داخل خود رشته مدیریت به هر حال کسی را که شما می‌خواهید استخدام بکنید. کدام یک از عقود است اگر مشمول اجاره است شرایطش چه است؟ اگر اجیر شد حقوقش چه می‌شود و ارزشیابی او چگونه است. شما می‌خواهید این آقا را ارزش‌یابی کنید و به او نمره بدهید. تشویقش بکنید. و یا تنبیهش نمایید اختیارات شما چه میزان است؟ می‌خواهید امنیتش را در محل کار فراهم کنید. بحث بازنشستگی بحث درستی است یا نه؟ آیا اخراج درست است؟ یا در تعیین حقوق دستمزد که آقای قوامی اشاره کردند. ولی اگر وارد همین یک حوزه منابع انسانی شویم که در کنار مباحث مدیریت یک شعبه‌ای است. باید وارد سایر مباحث بشوید ظرفیت بحث وجود دارد. حتی اگر نخواهیم خیلی به محبت حقوق بپردازیم علم

مدیریت را بخواهیم مورد بررسی قرار دهیم فقه‌الاداره در مواقعی که به آن می‌پردازیم به این دلیل است که ماهیت کار حقوقی شود و بتوان به آن پرداخت به هر حال داخل این مجموعه ظرفیت کار وجود دارد و کار اصلی هم است. یعنی کار اسلامی کردن متون با پاورقی آیات و روایت. در این کاری که عملاً خیلی دارد اتفاق می‌افتد اگر این کار انجام شود یک کار خیلی جدی و دقیقی است اگر فقه‌الاداره شکل بگیرد کار بسیار شایسته‌ای است. منتها کار طولانی و بلندمدتی است.

● آقای نادری: اول به نظر خود می‌آید که ظرفیت دوستان که در اینجا جمع شده‌اند با توجه به توانی که دارند در مسایل مدیریتی فقه‌الاداره که شما می‌فرمایید صرف شود، هنوز ما در فقه‌الاداره یا علم‌الاداره به تعبیر صحیح‌ترش که علم‌الاداره اسلامی باشد این را مشکل داریم و اساس مسئله هم اینجاست که اینک در علم اقتصاد اسلامی چون مشکل داریم نتوانستیم یک نظام و مکتب اقتصادی اسلامی ارائه بدهیم. و تا آنجا مشکل ما حل نشود در نظام و مکتب اقتصادی هم حل نخواهد شد چون هنوز زیربناهایش معلوم نیست و هدف بزرگانی چون آیت الله مصباح هم همین بود که حالا مثلاً کسی که می‌آید وارد رشته علوم تربیتی می‌شود بحث این است که تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام همان مبانی نظریش ابتدا تدوین شود چون آن‌ها قطعاً تأثیرگذار خواهد بود هم‌چنان که حضرت آیت الله شهید صدر در کتاب خود شرط رابطه بین علم و نظام را کاملاً تبیین می‌کنند و می‌فرماید ما تا مشکل علم را حل نکنیم و بیابیم از نظام شروع کنیم این کار غلطی است. چون قطعاً دیدگاه‌های نظری تأثیر می‌گذارد در تعریف مکتب و نظام حالا ما مشکل بزرگتری به نام مدیریت اسلامی که الان ده‌ها سؤال بدون پاسخ دارد در حوزه‌های مدیریت که هیچگاه کار جدی هم نشده، و لذا اگر دوستان وقت داشته باشند خیلی خوب است.

● آقای لطفی: به نام خدا. عرض کنم بحث‌های خوبی مطرح شد. منتها بحث شدنی است. سؤالی که شما داشتید این رشته است؟ که حتی گسترده‌تر از یک رشته است. من در حد تفکیک می‌خواستم عرض کنم که فقه‌الاداره یا به معنای سازمان را می‌توان با فقه مدیریت ترکیب کرد. که بحث‌های مفصل خاص خودش را دارد. با آن فرمایشی که جناب آقای نادری می‌فرمایند دغدغه خوبی است منتها چگونه می‌توان آن دغدغه را پاسخ داد. بحث این نیست که این نباشد یا این شدنی نیست. این هم یکی از مسیرهایی است که می‌تواند ما را هدایت کند به مدیریت اسلامی که در حد کلان به عنوان یک علم تولید شود. از دو رویکرد می‌توان به بحث وارد شد و نمی‌شود ادعا کرد که یکی نامی دیگری است یا یکی کافی از آن دیگری است. این دو تا مشکل است. در بحث سازمان خود انسان، فرد یا در شکل گروهش از همان بدو ورود تا زمانی که می‌خواهد از سازمان برود بیرون. قطعاً می‌شود ۴۰۰ تا مسئله فقهی ساخت و پیش روی فقیه گذاشت و جواب این‌ها را از او پرسید این یک بخش بحث؟

بحث دیگر سرمایه که در سازمان تحت عنوان منابع، امکانات تلقی می‌شود. از بدو شروعش تا پایانش بحث جدی دارد، بحث تأمین و نگهداری بحث‌های مفصلی دارد. و سوالات فقهی زیادی پیش روی مسئولان است. حتی با یک جستجو می‌شود مجموعه کارمندان اداره که رفته‌اند پیش فقیه و یا روحانی سؤال اداری پرسیده‌اند را پیدا کرد که گفته‌اند من اینجا چکار کنم؟ قانون، مقررات، ضوابط و آئین‌نامه‌ها در همان حیطه داخل سازمان است. بحث‌های محیطی بحث‌های کلانی است که سیستم حقوقی باید پاسخ دهد. ولی در چهارچوب مدیریت و سازمان ما بحث، آئین نامه، مقررات بحث‌های خیلی جدی است درست است که همین‌ها هم باید از کلیات تبعیت کند ولی بحث‌های فقهی خیلی زیادی هم می‌توان در همین مقولات مطرح کرد. لذا من نظرم این است که کار شدنی است. کاری هم نشده قطعاً شاید طرح مسئله آغاز کار باشد. عجله هم نباید کرد. هم آقای کعبی باید حوصله داشته باشد هم با مرور زمان قضیه حل شود. ظرفیت آن قطعی است.